رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی - پلاک ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
چاپ: کارو کارگر | تلفن: ۰۲۱۶۶۸۱۷۳۱۷

یک شنبه
۲۵ مرداد ۱۴۰۵
۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۱۶ آگوست ۲۰۲۶
سال چهل و یکم
شماره ۱۱۴۴۹

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی
اذان ظهر ۱۲:۰۹
اذان مغرب: ۱۹:۱۲
اذان صبح فردا: ۳:۵۳
طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۲۵

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

حکمت نهج البلاغه
امام (علیه‌السلام) فرمود: عملی که توأم با تقوا است کم نیست (هرچند ظاهراً کم باشد)، چگونه عملی که مقبول درگاه خداست کم است؟!

شاه بیت
تازه گردید از تو جان مبتلا
تو مگر کردی گذر از کربلا؟
شیخ بهایی

«میدان» دیگر فقط نقطه‌ای در مرز یا منطقه‌ای عملیاتی نیست؛ «میدان»، هرجایی است که سرمایه اجتماعی و انسجام کشور در معرض تهدید قرار می‌گیرد

دوران تازه بسیج

گروه سیاسی

حکم انتصاب حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین طائب به ریاست سازمان بسیج مستضعفین را نباید در حد یک تغییر مدیریتی در یکی از سازمان‌های سپاه تقلیل داد. اهمیت این حکم، بیش از آنکه در نام فرد منصوب شده باشد، در مجموعه‌ای از مفاهیم، تعابیر و مطالباتی است که در متن آن کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. متن حکم از «هر ایرانی، یک بسیجی» سخن می‌گوید؛ از «شبکه اطلاعات مردمی»، «فناوری‌های نوین»، «مقابله مردم پایه با تهدیدات دشمن»، «خدمات اجتماعی»، «مسجد»، «اقشار»، «محلات» و در نهایت از تبدیل فرهنگ بسیجی به الگویی جهانی برای مقاومت در برابر «استکبار صهیونی ـ آمریکایی». اینها کنار هم، تصویر بسیجی را از یک «نیروی سازمان‌یافته» به یک «شبکه اجتماعی ـ ملی» ارتقا می‌دهند. از همین جا می‌توان معنای عنوان «دوران تازه بسیج» را فهم کرد.

بسیج از ابتدا نهادی برای روزهای عادی به معنای متعارف کلمه نبود. فلسفه وجودی آن، فراهم کردن ظرفیت مردمی برای لحظه‌هایی بود که کشور با مسئله‌ای بزرگ‌تر از توان سازمان‌های رسمی مواجه می‌شود. جنگ، سازندگی، محرومیت‌زدایی، امدادرسانی، مقابله با بحران‌ها و در سال‌های اخیر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، هر کدام صورت متفاوتی از همین منطق بوده‌اند. اما تهدیدی که امروز پیش روی کشور قرار دارد، دیگر الزاماً با الگوی کلاسیک جنگ قابل توضیح نیست. دشمن می‌تواند همزمان از آسمان، رسانه، فضای مجازی، اقتصاد، عملیات روانی، شبکه‌های اطلاعاتی و شکاف‌های اجتماعی وارد شود. بنابراین اگر ماهیت تهدید تغییر کرده باشد، طبیعتاً «سازمان دفاع مردمی» نیز باید تغییر کند.

شاید مهم‌ترین کلیدواژه حکم همین جا قرار داشته باشد: «با توجه به اقتضائات و شرایط جدید کشور».

این عبارت، یک جمله تشریفاتی نیست. در ادامه حکم، دقیقاً توضیح داده می‌شود که این اقتضائات جدید چیست و بسیج برای مواجهه با آنها باید چه تغییری کند. به بیان دیگر، متن حکم یک «نقشه مأموریت» است؛ نقشه‌ای که از بسیج آینده، تصویری متفاوت با بسیج دهه‌های گذشته ارائه می‌دهد.

نخستین تغییر، تغییر در مقیاس است. «هر ایرانی، یک بسیجی» صرفاً یک شعار برای افزایش تعداد اعضای یک سازمان نیست. اگر این عبارت را نشانه شناسانه بخوانیم، واژه «هر» در آن بسیار مهم‌تر از واژه «بسیجی» است. مسئله، افزایش کمی یک تشکیلات نیست؛ مسئله، از میان برداشتن مرز میان «بدنه سازمان‌یافته بسیج» و «جامعه» است. در این تلقی، بسیج قرار نیست فقط بخشی از مردم باشد؛ بلکه باید بتواند ظرفیت‌های عمومی مردم را در لحظه نیاز به میدان بیاورد.

در نتیجه، بسیج آینده بیش از آنکه با تعداد اعضای رسمی‌اش سنجیده شود، با میزان نفوذ شبکه‌ای خود در جامعه سنجیده خواهد شد. دانش‌آموز، دانشجو، پزشک، مهندس، کارگر، معلم، طلبه، کاسب، هنرمند، ورزشکار، روستایی، محله‌شهری و گروه جهادی، هر کدام می‌توانند یک گره از این شبکه باشند. این همان نقطه‌ای است که مفهوم «بسیج اقشار» و «بسیج محلات» در حکم معنای تازه پیدا می‌کند.

این تحول البته یک پیامد مهم‌تر نیز دارد: بسیج از «عضویت» به سوی «ظرفیت» حرکت می‌کند. فرد ممکن است عضو تشکیلاتی بسیج نباشد، اما در یک بحران اجتماعی، امدادرسانی، جنگ رسانه‌ای، خدمت‌رسانی محلی یا دفاع ملی بتواند بخشی از ظرفیت بسیج را فعال کند. بنابراین بسیج جدید الزاماً به معنای بزرگ‌تر شدن یک سازمان نیست؛ بلکه به معنای بزرگ‌تر شدن دایره ظرفیت‌های قابل فعال‌سازی در جامعه است.

این معنا با تجربه دوره اخیر نیز بی‌ارتباط نیست. در پیام سازمان بسیج پس از شهادت سردار غلامرضا سلیمانی، از «نهضت‌های جهاد امیدآفرینی، محرومیت‌زدایی و خدمت‌رسانی» و سازمان‌دهی آنها در سراسر کشور سخن گفته شد. سند راهبردی اعتلای بسیج نیز به عنوان یکی از میراث‌های دوره فرماندهی آن شهید معرفی شده است.

اما دومین کلیدواژه حکم، حتی از «هر ایرانی، یک بسیجی» مهم‌تر است: «شبکه اطلاعات مردمی».

این تعبیر نشان می‌دهد که در تعریف جدید بسیج، مردم فقط «نیروی اجرایی» نیستند؛ مردم بخشی از سامانه تشخیص و مواجهه با تهدید نیز هستند. این تفاوت بسیار مهم است. در مدل سنتی، سازمان رسمی اطلاعات تولید می‌کند و جامعه دریافت‌کننده آن است؛ در مدل شبکه‌ای، جامعه خود بخشی از حسگرهای نظام امنیت ملی محسوب می‌شود.

این موضوع را نباید صرفاً امنیتی فهم کرد. شبکه اطلاعات مردمی در معنای وسیع‌تر خود یعنی تبدیل جامعه به یک شبکه هوشمند برای تشخیص مسئله. کسی که در یک محله زندگی می‌کند، زودتر از یک سازمان متمرکز متوجه مسئله اجتماعی آن محله می‌شود. یک معلم، تغییرات دانش‌آموزان را بهتر می‌بیند؛ یک کسبه، تحولات محله را؛ یک گروه جهادی، مسائل یک روستا را؛ و یک جوان فعال در فضای مجازی، تغییرات افکار عمومی را.

بنابراین «اطلاعات مردمی» در این حکم، اگر درست فهم و اجرا شود، فقط به معنای افزایش چشم و گوش امنیتی نیست؛ بلکه می‌تواند به معنای ایجاد یک معماری جدید برای شناخت مسائل جامعه باشد. تفاوت در اینجاست که چنین شبکه‌ای اگر صرفاً با منطق امنیتی اداره شود، به شبکه‌ای برای کشف تهدید تبدیل خواهد شد، اما اگر با منطق اجتماعی اداره شود، می‌تواند به شبکه‌ای برای کشف مسئله نیز تبدیل شود.

این نکته اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بلافاصله پس از «شبکه اطلاعات مردمی»، حکم از «افزایش مهارت‌ها و آموزش‌ها»، «بصیرت‌افزایی» و «فناوری‌های نوین» سخن می‌گوید. این ترکیب نشان می‌دهد که بسیج آینده قرار نیست صرفاً نیرویی «متعهد» باشد؛ باید نیرویی «ماهر» نیز باشد. بسیجی مطلوب این حکم، صرفاً فردی باانگیزه و ایمان نیست؛ فردی است که بتواند در میدان پیچیده و چندلایه امروز، تهدید را تشخیص دهد، اطلاعات را ارزیابی کند، از فناوری استفاده کند و در موقعیت بحران تصمیم درست بگیرد.

در اینجا واژه «فناوری» نیز اهمیت نمادین دارد. بسیج سنتی اساساً با الگوی شبکه انسانی شناخته می‌شد؛ بسیج آینده باید شبکه انسانی و فناوری را در هم ادغام کند. تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، سامانه‌های ارتباطی، ابزارهای تحلیل داده و رسانه‌های نوین، همان اندازه که برای دشمن ابزار هستند، می‌توانند به ابزارهای توانمندسازی جامعه نیز تبدیل شوند. بنابراین «بسیج فناوری‌پایه» الزاماً به معنای جایگزین کردن فناوری به جای انسان نیست؛ بلکه به معنای چند برابر کردن قدرت شبکه انسانی با فناوری است.

سومین لایه حکم، شاید مهم‌ترین بخش برای فهم نسبت بسیج با جامعه باشد: «تعامل سازنده و مؤثر با دیگر نهادها و سازمان‌های حاکمیتی، دولتی و عمومی».

این عبارت نشان می‌دهد که بسیج آینده قرار نیست جزیره‌ای مستقل در ساختار جمهوری اسلامی باشد. برعکس، مأموریت آن تا حد زیادی شبکه‌سازی میان ظرفیت‌های پراکنده کشور است. در اینجا بسیج نه فقط «مجری» بلکه «وصل‌کننده» است؛ حلقه‌ای میان دولت، نهادهای عمومی، گروه‌های جهادی، مساجد، محلات و اقشار مختلف.

این بخش، در واقع، از یک تغییر نگاه حکایت می‌کند: بسیج به جای آنکه فقط برای زمانی تعریف شود که دولت و نهادهای رسمی از انجام کاری عاجزند، می‌تواند به بستری برای افزایش کارآمدی آنها از طریق ظرفیت اجتماعی تبدیل شود. و اینجا «مسجد» وارد متن می‌شود.

ذکر «محوریت مسجد» در یک حکم سازمانی، از نظر نشانه‌شناختی بسیار معنادار است. مسجد در اینجا صرفاً محل برگزاری مناسک دینی نیست؛ «واحد پایه جامعه» تلقی شده است. اگر بسیج آینده قرار است محله‌محور باشد، مسجد می‌تواند مرکز ثقل این شبکه محلی باشد: مکانی برای شناخت مسائل، سامان‌دهی نیروهای داوطلب، ارائه خدمات اجتماعی، پیوند نسل‌ها و شکل دادن به سرمایه اجتماعی.

به بیان دیگر، حکم از یک معماری سه‌لایه سخن می‌گوید: «محله»، «مسجد» و «بسیج». این سه‌گانه اگر درست شکل بگیرد، می‌تواند بسیج را از یک سازمان مستقر در محله به یک نهاد «ریشه‌دار در محله» تبدیل کند. تفاوت این دو بسیار زیاد است. سازمان مستقر در محله ممکن است صرفاً یک دفتر داشته باشد؛ اما نهاد ریشه‌دار در محله باید مسئله محله را بشناسد، اعتماد مردم را جلب کند و در زندگی واقعی آنان حضور داشته باشد.

این دقیقاً همان جایی است که «خدمات اجتماعی اثربخش» اهمیت پیدا می‌کند. حکم نمی‌گوید صرفاً خدمات اجتماعی ارائه شود؛ بر «اثربخش» بودن آنها تأکید می‌کند. این قید نشان می‌دهد که دوره جدید، دوره نمایش فعالیت نیست؛ دوره سنجش نتیجه است. اگر بسیج می‌خواهد «هر ایرانی، یک بسیجی» را محقق کند، باید بتواند این شعار را در زندگی روزمره مردم به تجربه‌ای ملموس تبدیل کند.

در چنین چارچوبی، کارآمدی اجتماعی خود به یکی از ابزارهای اصلی بازتولید سرمایه اجتماعی بسیج تبدیل می‌شود. مردم زمانی به یک شبکه اعتماد می‌کنند که اثر آن را در زندگی خود ببینند. مدرسه، محله، مسجد، درمان، اشتغال، بحران، بلایای طبیعی، محرومیت و حتی تنهایی و آسیب‌های اجتماعی، میدان‌هایی هستند که می‌توانند مفهوم «بسیج» را از یک عنوان سازمانی به یک تجربه اجتماعی تبدیل کنند.

اما حکم در نقطه چهارم، از مرزهای ایران عبور می‌کند. «ترویج فرهنگ بسیجی به عنوان الگوی مقاومت و پایداری مردمی در سراسر جهان در برابر استکبار صهیونی ـ آمریکایی».

این جمله نشان می‌دهد که در تلقی جدید، بسیج فقط یک نهاد داخلی نیست؛ بلکه یک «الگو» نیز محسوب می‌شود. تفاوت «نهاد» و «الگو» در همین جاست. نهاد در یک جغرافیا عمل می‌کند، اما الگو قابلیت بازتولید در جغرافیاهای دیگر را دارد.

در این نگاه، آنچه باید صادر شود الزاماً ساختار سازمانی بسیج نیست؛ «فرهنگ بسیجی» است: داوطلبی، ایثار، مقاومت، حضور اجتماعی، سازمان‌دهی مردم و پایداری در برابر فشار خارجی. بنابراین متن حکم، در پایان از سطح سازمان به سطح فرهنگ و از سطح فرهنگ به سطح «الگو» حرکت می‌کند.

اگر بندهای چهارگانه را در کنار یکدیگر قرار دهیم، مسیر حرکت کاملاً روشن می‌شود: نخست، گسترده کردن دایره مشارکت؛ سپس، شبکه‌ای کردن شناخت و مقابله با تهدید؛ بعد، پیوند دادن این شبکه با نهادهای رسمی و جامعه؛ و در نهایت، تبدیل تجربه حاصل شده به یک الگوی فراملی.

به همین دلیل، «دوران تازه بسیج» بیش از آنکه به معنای تغییر مأموریت باشد، به معنای تغییر «مقیاس مأموریت» است.

بسیج در دهه نخست انقلاب عمدتاً مسئله «حضور» را حل می‌کرد: چگونه مردم در میدان دفاع از انقلاب حضور پیدا کنند؟ در مراحل بعد، مسئله «سازمان‌دهی» برجسته شد: چگونه این حضور به ساختاری پایدار تبدیل شود؟ سپس مسئله «خدمت» پررنگ شد: چگونه این ظرفیت در سازندگی و محرومیت‌زدایی به کار گرفته شود؟ اکنون به نظر می‌رسد مسئله جدید، «شبکه‌سازی» است: چگونه مجموعه عظیم ظرفیت‌های اجتماعی، محلی، حرفه‌ای، فناورانه و فرهنگی کشور به یک شبکه منسجم و آماده تبدیل شود؟

از این منظر، انتخاب حسین طائب نیز معنای خاص خود را پیدا می‌کند. او نخستین بار در سال ۱۳۸۷ در رأس بسیج قرار گرفت و پس از آن وارد مسئولیت‌های اطلاعاتی سپاه شد؛ بنابراین انتصاب دوباره او را می‌توان بازگشت یک مدیر با تجربه تو‌أمان در دو حوزه «شبکه اجتماعی ـ سازمانی» و «شناخت تهدید» دانست.

البته نباید این موضوع را به معنای امنیتی شدن همه جانبه بسیج تفسیر کرد. اتفاقاً متن حکم، در کنار مؤلفه‌های اطلاعاتی و مقابله با تهدید، بر خدمات اجتماعی، گروه‌های جهادی، اقشار، محلات و مسجد تأکید می‌کند. همین هم‌نشینی نشان می‌دهد که مسئله اصلی، تفکیک میان «امنیت» و «جامعه» نیست؛ بلکه پیوند دادن آنهاست. در جهان تهدیدات ترکیبی، امنیت صرفاً در مرز و پادگان تولید نمی‌شود؛ در مدرسه، محله، رسانه، فضای مجازی، خانواده و شبکه‌های اجتماعی نیز تولید یا تضعیف می‌شود.

از همین رو شاید مهم‌ترین تحول مورد انتظار از بسیج جدید، «تغییر جغرافیای میدان» باشد. میدان دیگر فقط نقطه‌ای در مرز یا منطقه‌ای عملیاتی نیست. میدان، هرجایی است که سرمایه اجتماعی، هویت ملی، امید عمومی و انسجام کشور در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

در این معنا، حتی تعبیر «ایران قوی و متحد» در بند نخست حکم نیز قابل تأمل است. بسیج در این تعریف صرفاً حافظ یک ایدئولوژی نیست؛ باید در ساختن «ایران قوی و متحد» نیز سهم داشته باشد. این عبارت، دامنه مفهوم بسیج را از حفاظت از انقلاب اسلامی به حفاظت از ظرفیت ملی گسترش می‌دهد. ایران قوی بدون جامعه منسجم، شبکه اجتماعی فعال و مردم آماده مشارکت امکان‌پذیر نیست.

در واقع، پیام انتصاب را می‌توان نوعی پاسخ به تجربه جنگ‌های جدید نیز دانست. شهادت رئیس سازمان بسیج در حمله دشمن، پیش از هر چیز نشان داد که ساختارهای مردمی نیز در محاسبات دشمن جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. سپاه در اطلاعیه خود پس از شهادت سردار غلامرضا سلیمانی، هدف قرار گرفتن او را نشانه اهمیت نقش بسیج در میدان نبرد همه جانبه دانست. اکنون حکم جانشین او، به شکلی معنادار، بر ساختن شبکه‌ای گسترده‌تر، هوشمندتر و اجتماعی‌تر تأکید می‌کند.

این نکته شاید مهم‌ترین پیام پنهان حکم باشد: پاسخ به ضربه به یک رأس سازمان، صرفاً جایگزین کردن یک فرد نیست؛ گسترش شبکه‌ای است که حذف یک رأس نتواند آن را از کار بیندازد.

در این جا مفهوم «شبکه» معنای راهبردی خود را آشکار می‌کند. سازمان سلسله مراتبی با حذف رأس یا چند عنصر کلیدی می‌تواند آسیب ببیند؛ اما شبکه‌ای که گره‌های فراوان و مستقل دارد، قابلیت بازتولید بیشتری دارد. وقتی متن از «هر ایرانی»، «اقشار»، «محلات»، «گروه‌های جهادی»، «مسجد» و «شبکه اطلاعات مردمی» در کنار یکدیگر سخن می‌گوید، در واقع تصویری از یک معماری شبکه‌ای ارائه می‌کند که در آن قدرت بسیج فقط در مرکز متمرکز نیست.

از این منظر، «دوران تازه بسیج» را می‌توان دوران عبور از «بسیج به مثابه سازمان» به «بسیج به مثابه شبکه» دانست؛ شبکه‌ای که قرار است هم سپر دفاعی کشور باشد، هم شبکه خدمت، هم شبکه اجتماعی، هم شبکه شناخت و هم حامل یک فرهنگ سیاسی و اجتماعی.

البته تحقق این چشم‌انداز، به یک شرط مهم وابسته است: شبکه بسیج باید بتواند «اعتماد» تولید کند. هیچ شبکه مردمی صرفاً با دستور اداری ساخته نمی‌شود. شبکه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم در آن احساس کنند حضورشان معنا دارد، مسئله‌شان دیده می‌شود و مشارکتشان به نتیجه می‌رسد. از همین رو شاید در سال‌های پیش رو، موفقیت بسیج بیش از هر زمان دیگری با کیفیت رابطه‌اش با مردم سنجیده شود.

اگر «هر ایرانی، یک بسیجی» فقط به افزایش آمار عضویت تعبیر شود، این شعار در حد یک هدف کمی باقی خواهد ماند. اما اگر معنای آن این باشد که هر ایرانی بتواند در لحظه‌ای که کشور به او نیاز دارد، بخشی از توان، تخصص، وقت، خلاقیت و مسئولیت اجتماعی خود را در خدمت منافع ملی قرار دهد، آنگاه با یک تحول مفهومی واقعی مواجهیم.

در نهایت، این حکم را باید بیش از آنکه حکم انتصاب یک رئیس جدید دانست، اعلام یک صورت‌بندی تازه از فلسفه وجودی بسیج در شرایط جدید تلقی کرد. بسیج در این صورت‌بندی قرار است از مرزهای تشکیلاتی خود عبور کند، در متن جامعه ریشه بدواند، از فناوری برای شبکه‌ای شدن بهره بگیرد، از مردم برای شناخت تهدید استفاده کند، خدمات اجتماعی را به ابزار پیوند با جامعه تبدیل کند و از تجربه داخلی، یک الگوی مقاومت فراملی بسازد.

سردار غلامرضا سلیمانی در دوره فرماندهی خود بر توسعه حرکت‌های جهادی، محرومیت‌زدایی و روزآمدسازی ساختار مردمی بسیج تأکید داشت و این مسیر در ادبیات رسمی پس از شهادتش نیز به عنوان میراث دوره او برجسته شد. اکنون حکم جدید نشان می‌دهد که قرار نیست این مسیر متوقف شود؛ بلکه قرار است یک گام دیگر بردارد.

اگر در گذشته پرسش اصلی این بود که «بسیج چگونه مردم را برای میدان آماده کند؟»، پرسش امروز ظاهراً این است که «چگونه خودِ جامعه را به یک میدان آماده، هوشمند، منسجم و خدمت‌رسان تبدیل کنیم؟»

پاسخ به این پرسش، معنای واقعی دوران تازه بسیج خواهد بود.

مختصات استعمار نو

ادامه از صفحه اول

بنابراین، استعمار نو بیش از آن که صرفا به اشغال سرزمین نیاز داشته باشد، به تصرف گلوگاه‌های قدرت نیاز دارد.

با این حال، نباید هر رابطه نابرابر یا هر تعامل با قدرت‌های بزرگ را استعمار نامید. جهان امروز بر همکاری و وابستگی متقابل نیز استوار است. مسئله، مرز میان «تعامل» و «تبعیت» است؛ اینکه آیا یک کشور می‌تواند با جهان ارتباط داشته باشد، بدون آن که با قطع یک رابطه، اقتصاد، فناوری یا امنیتش فروبریزد. استقلال به معنای انزوا نیست؛ استقلال یعنی توان تعامل بدون اجبار به تبعیت.

از این منظر، مبارزه با استعمار صرفا یک شعار سیاسی نیست؛ پروژه‌ای برای ساختن قدرت ملی است. اقتصاد قدرتمند، علم مولد، فناوری راهبردی، امنیت غذایی و انرژی، زیرساخت‌های تاب‌آور، سرمایه اجتماعی، رسانه توانمند و دیپلماسی فعال، اجزای استقلال‌اند. در جهان امروز، کسی که تراشه، داده، هوش مصنوعی، انرژی، شبکه مالی، زنجیره تأمین و روایت را کنترل می‌کند، بخشی از معماری قدرت جهان را در اختیار دارد.

در نهایت، استعمار زمانی آغاز می‌شود که دیگری به جای تو تصمیم بگیرد؛ اما زمانی به اوج می‌رسد که تو چنان وابسته شوی که تصمیم او را تصمیم خودت تصور کنی. بنابراین، بزرگ‌ترین پیروزی بر استعمار، فقط بیرون راندن سلطه گر از سرزمین نیست؛ بازگرداندن اختیار اندیشیدن، انتخاب کردن، ساختن و تعیین آینده به خود ملت است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۳۷۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سعید اصلاحی سار بانقلی فرزند عبدالعلی به شماره شناسنامه ۲۸۶۸ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۹/۹۶ مترمربع پلاک ۲۰۴۲ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری طی قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی و ثبت سامانه ساغر از مالک رسمی آقای علی نیک باقرنیا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۹ ۸۳۷

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۳۵۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم بتول نادری فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴ صادره از ساوه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای به مساحت ۵۰ مترمربع پلاک ۲۰۴۲ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری طی قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی و ثبت سامانه ساغر از مالک رسمی آقای غلامحسن باقرنیا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۹ ۸۳۹

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۳۷۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۵/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا ابوالحسنی فرزند فیروز به شماره شناسنامه ۰۰۱۹۴۴۷۳۹۶ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۴/۳۷ مترمربع پلاک ۱۳۴۵ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری طی قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی و ثبت سامانه ساغر از مالک رسمی آقای احمد خردمند محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۹ ۸۳۳

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۷۰۱۰۰۲۲۷۸ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قیام دشت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی هداوند فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۰۰ و کد ملی ۰۶۲۰۴۸۷۱۸۶ صادره از سربند در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۱۴/۱۵ متر مربع پلاک فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در تهران بخش ۱۲- جاده خاوران - ابتدای لبه زنک خریداری از روح اله، علیرضا و محمدرضا سیری و آنها هم ورثه صدرالله و آنهم ورثه کریم سیری مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۹
۸۲۵

فرید آسمند
رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۳۴۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۵/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فیروز قربانی فرزند احمدعلی به شماره شناسنامه ۰۰۱۳۰۲۶۶۲۳ صادره ازری در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۹ متر مربع پلاک ۲۸۳ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی (قولنامه عادی موسسه انتشارات گل افرا مورد ثبت صفحه ۱۳۰ دفتر ۳۲۹ و کد ۹۷۷ بخشنامه های ثبتی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۹
۸۱۹

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۳۴۸۸ مورخ ۱۴۰۵/۵/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا قربانی فرزند احمدعلی به شماره شناسنامه ۳۰۹ صادره از سراب در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۱۹ متر مربع پلاک ۲۸۳ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی (قولنامه عادی موسسه انتشارات گل افرا مورد ثبت صفحه ۱۳۰ دفتر ۳۲۹ و کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۹
۸۱۷

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۳۴۸۹ مورخ ۱۴۰۵/۵/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ش